

اعضای کمیته انتخاب

جشنواره زیر چتر لبخند

معرفی شدند

رضا بحیرایی، رئیس هیات داوران سومین جشنواره «زیر چتر لبخند» اعضای کمیته انتخاب آثار برگزیده این دوره از جشنواره طنز و رادیو را معرفی کرد. این هیات که کار بررسی آثار دریافت‌شده را از ۲۴ دی آغاز کرده است، این آثار را در دو گروه داورۃ مردمی و حرفه‌ای معرفی کرد.

بحیرایی بیان کرد: جشنواره زیر چتر لبخند در سومین دوره در مجموع ۳۲۷ اثر قابل داورۃ دریافت کرده است، که از این

تعداد ۱۷۱ اثر به به بخش مردمی و ۱۵۶ اثر به بخش حرفه‌ای تعلق دارد. آثار بخش حرفه‌ای این جشنواره که از معاونت صدای تهران و مرکز رادیویی سایر استان‌ها به دبیرخانه این جشنواره ارسال شده، توسط پروانه طهماسبی، حسین خلیل‌نژاد و رضا بحیرایی مورد نقد و ارزیابی قرار می‌گیرد و آثار رسیده در بخش مردمی توسط مهدی ساعی، علیرضا مبینی و ... داوری می‌شود. ارزیابی می‌شود.

وی درباره معیارهای انتخاب داوران جشنواره بیان کرد: تجربه در حوزه‌های مختلف برنامه‌سازی و داورۃ در جشنواره‌های مختلف و نظم و ترتیب از مهم‌ترین معیارهای در نظر گرفته‌شده برای انتخاب داوران بوده است. ۲۲ بهمن با پایان داورۃ آثار رسیده، نامزدهای دریافت جایزه از طریق سایت رادیو صبا اعلام خواهند شد. آیین اختتامیه و تقدیر از برگزیدگان جشنواره ۳۰ بهمن برگزار می‌شود.



کاوه خدانشناس، بازیگر سریال «مستوران ۲» در گفت‌وگو با «جام جم» بیان کرد

دادخواهی شناسه قهرمان



زینب علیپور طهرانی گروه رسانه

عاشقانه‌ها و دلدادگی‌های لطفعلی به ماه منیر، دختر حاکم «مستوران» و به تصویر کشیدن برخی افسانه‌ها و قصه‌های شیرین ایرانی، این شب‌ها مخاطبان بسیاری را با خود همراه کرده است. مجموعه‌ای که برگرفته از داستان‌های کهن ایرانی است و از این‌رو نگاه علاقه‌مندان به ادبیات را هم به خود معطوف کرده است. بازیگران توانمند بسیاری در این

مجموعه دیدنی حضور دارند که با نقش‌آفرینی‌های خود، توانسته‌اند مورد توجه مخاطبان این سریال قرار بگیرند. از جمله کاوه خدانشناس که ایفاگر لطفعلی جوان، عطاری که فرزند لیث و لطیفه است و در فصل یک، کودک بود که توسط راهزنان ربوده شده و پدرش لیث برای یافتن او راهی سفر عجیبی شد. خدانشناس که پیش از این در مجموعه‌های

بسیاری حضور داشته و ایفاگر شخصیت‌های متفاوتی از جمله مجموعه‌های: صبح آخرین روز، بوم و بانو، پدر، دولت مخفی، برادر و عملیات ۱۲۵ بوده، این شب‌ها به واسطه نقش لطفعلی مورد توجه مخاطبان بسیاری قرار گرفته است. وی در یکی از روزهای زمستانی همان جام جم شد و درباره این نقش‌ش و مجموعه مستوران گپ و گفتی با ما داشت که حاصل آن را در ادامه می‌خوانید:



❏ فکر می‌کنم لطفعلی و قرار گرفتن در مستوران، یکی از متفاوت‌ترین فضاهایی است که شما در بازیگری تجربه کرده‌اید. زمانی که این نقش به شما پیشنهاد شد، قطعاً چالش‌هایی را نیز با خود به همراه داشت. درباره جذابیت‌ها و چالش‌های این نقش بگویید.

این‌که من بازیگر نقش لطفعلی شدم، خودش قصه جالبی دارد. من در «بی‌همگان» بازی می‌کردم که سیدعلی هاشمی پنج قسمت از فیلم‌نامه را برای من فرستاد و نظرم را پرسید.

به نظرم کار خوبی آمد که این موضوع را به آقای هاشمی گفتم. ایشان از من خواست لطفعلی را من بازی کنم. اما به خاطر برنامه‌ریزی بی‌همگان، این امکان وجود نداشت که حضور در سریال دیگری را بپذیرم. به همین دلیل نتوانستم پیشنهاد بازی در مستوران را قبول کنم. یک ماه بعد آقای هاشمی دوباره با من تماس گرفت و متوجه شدم وحید رهبانی که قرار بود نقش لطفعلی را بازی کند، در سوارکاری آسیب دیده و نمی‌تواند کارش را ادامه بدهد. بالاخره نقش لطفعلی قسمت من شد و انگار همین قسمت هم ریشه در یک جریان پس و پشت هم داشت. مثلاً این‌که من یکی از آدم‌های هستم که بزرگ‌ترین تفریح فرهنگی‌ام دست‌وپنجه نرم‌کردن با ادبیات است. آن هم به خاطر حضور پدری که خیلی شبیه لیث بود. یعنی بسیار آدم با سوادی بود و به شعر و ادبیات علاقه داشت و اطمینان دارم آدم بود، یکی از مخاطبان پر و پا قرص این سریال می‌شد. من در چنین بستری بزرگ شدم. بر این اساس انگار با لطفعلی از سال‌های دور اخت شده و این جنس فضا را زندگی کرده بودم. البته زمانی که قضیه جدی شد، من تمام قسمت‌های فصل یک مستوران را دیدم، دریافت‌ام اصولاً

نقشی مثل لطفعلی، نقشه‌راه مشخصی دارد. پسری که در چنین خانواده‌ای بزرگ شده و صاحب یک نیوغی در آن بستر تاریخی است؛ بنابراین روزهای اول سعی کردم طبق اول نقشه‌راه، حرکت کنم تا کم‌کم بتوانم با آن اخت بیشتری بگیرم و به آن عمق بیشتری بدهم و لایه‌هایی جدیدتر از لطفعلی را برای خودم کشف کنم تا بتوانم به مخاطب هم نشان بدهم. در کل یک هم‌زیستی خیلی لذتبخش را با لطفعلی در این سریال تجربه کردم.

❏ پس آشنایی خداتان با شعر و ادبیات خیلی روی بازی در قالب این نقش به کمک‌تان آمد؟ چون شعرخوانی شما در این سریال به‌گونه‌ای است که اصلاً احساس نمی‌شود آن را بازی می‌کنید و انگار با این شخصیت آشنا هستید و آن را زندگی می‌کنید؟

قوی‌ترین ابزار و قدرت لطفعلی همین بلاغت کلام، شیوایی و آشنایی با واژه و شعر و ادبیات است. برای ما ایرانی‌ها شعر جایگاه خیلی ویژه‌ای در فرهنگ ما دارد. یعنی می‌تواند یک بحث را به‌طور کامل جمع کند. مثلاً یک نفر بایک بیت در یک جمعی که خیلی شلوغ است، همین که بگوید: «در کار خیر حاجت هیچ استخاره نیست» کار را جمع کرده‌است. اگر دقت کرده باشید، مثلاً یک نفر که صاحب بلاغت و اهل ادب و شعر است، در خانواده جایگاه ویژه‌ای دارد و آدم‌ها روی حرفش حساب می‌کنند. به این خاطر که در شعر ما معرفت، خرد، شعور و آگاهی وجود دارد.

❏ در کنار علاقه و شناخت لطفعلی از ادبیات و معرفت، چقدر در بحث عطاری

و شناخت گیاهان دارویی آشنایی داشتید یا مطالعه کردید تا به لطفعلی نزدیک‌تر شوید؟

این هم یکی از بخش‌هایی است که خیلی در من وجود دارد. وقتی بحث گیاهان دارویی و عطاری به میان می‌آید، بچه‌های پشت صحنه می‌گفتند این چیزها خوراک کاوه است (می‌خندد). چون یکی از علایق من طب سنتی است؛ خیلی جدی روی این موضوع اشراف دارم، تحقیق می‌کنم و مطالعه دارم. برای بعضی سکانس‌ها آقای هاشمی می‌گفت اگر می‌خواهی برای کسی دارویی تجویز کنی بگو، چون مطمئن بود درست می‌گویی. به همین دلیل این بخش از کار هم برایم جذاب و آشنابود.

❏ ابتدای سریال آقای سرشاز می‌گوید: «یکی بود یکی نبود» و مخاطب را به دوران کودکی و قصه‌های مادر بزرگ می‌برد. چقدر قرار گرفتن در چنین فضای قصه‌گونه و افسانه‌ای برای‌تان جذاب بود؟

واقعاً بازی کردن در نقش لطفعلی برای من خیلی لذتبخش بود. بخشی از این لذت و جذابیت، قرار گرفتن در آن اتسفر و رفتن در آن حال و هوا و مناسبات است. لوکیشن و خانه‌های خشتی و سفره پارچه‌ای ساده‌ای که قرصی نان و چند خرما داخل آن می‌گذاشتند، هر کسی را با خود به آن آرامش، سکون و سکویتی که در زندگی آن ادوار

وجود داشته است می‌برد.

❏ منظورتان این است که فضا سازی صحنه و دکور و حتی گرم و لباس به درستی انجام شده بود و برای شما آن حال و هوا باورپذیر بود و آن دوران را می‌توانستید در ذهن برای خداتان تداعی کنید؟

بله. برای من همه چیز باورپذیر و لذتبخش بود. اصلاً مستوران تجربه دیگری است. به نظر من همین بخش ادبیات مستوران یکی از گمشده‌های برنامه‌سازی در تلویزیون است. همه به سمت فرم حرف‌زدن‌های امروزی مثل «چاکرم»، «دمت‌گرم» و «مخلص» رفته‌اند. حتی مجری‌های مان هم به این سمت وسو رفته‌اند اما مستوران فرد را به سمت یک زبان آرکانیک می‌برد که متعلق به سرزمین اوست. یک زبان کهن و یک زبان باستانی که برای من اصلاً سخت نبود. شاید من در کل سریال یک‌بار هم تبق نرذم. یعنی این‌قدر این زبان برای من زبان آشنایی بود که اصلاً جزو سختی‌های کار برایم محسوب نمی‌شد و از این زبان و جملات لذت می‌بردم. تلاش کردم جلوی دوربین لطفعلی‌ای خلق کنم که ابعاد و وجوه بسیاری در شخصیتش داشته باشد. حالا هر چقدر جلوتر می‌رویم، لایه‌های جدیدتری از لطفعلی را هم می‌بینیم. بالاخره دادخواهی بیشتری دارد و حتی ممکن است یک جایی وارد مناسبات جاج‌طلبی شود که به هر حال این خاصیت قدرت است.

❏ پس شما لطفعلی را مثبت مطلق نمی‌بینید و مثل هر انسان دیگری اشتباه می‌کند و در کل شخصیت خاکستری دارد؟

قاعدتاً خود قصه هم شامل فراز و فرودهایی است. مثلاً این‌که مسأله سوده خیلی جدی مطرح شده و سوده چالش جدی برای مخاطب است و شاید رفتار لطفعلی نسبت به سوده اخلاقی نباشد. بنابراین همین‌طور که در قصه جلو می‌رویم، با لایه‌های جدیدتری از شخصیت لطفعلی روبه‌رو می‌شویم.

❏ با توجه به محتوای مستوران و آشنایی و علاقه شما به ادبیات، فکر می‌کنید ساخت چنین آثاری که با افسانه‌ها و ادبیات کهن ما

گره‌خورده چقدر برای نسل امروز اثرگذار است و باید چنین کارهایی بیشتر ساخته شود؟

همه چیز به همان وجوه گمشده قصه‌هایی که ریشه در ادبیات کهن ما دارد، برمی‌گردد. آن‌قدر سراغ این چیزها نرفتمیم که الان نگرانیم نسل امروز با این افسانه‌ها و اسطوره‌ها ارتباط برقرار می‌کند یا نه. در صورتی که ما در تمام مناسبات حتی زندگی فعلی‌مان مدام با همین قصه‌ها و افسانه‌ها در ارتباط هستیم، چون یک سری آموزه‌های اخلاقی برای ما دارند و در کل افسانه و اسطوره متعلق به سرزمین‌هایی است که باستانی هستند و قدمت و هویت دارند؛ مثل یونان باستان



۱۴۰۰ (در نقش روحانی) به وقت صبح

۱۳۹۸ (در نقش شهید شهبازیاری) صبح آخرین روز

سیما

مشاور سیاسی حاکم



کیاوش، یکی از کاراکترهایی است که در فصل دوم به داستان اضافه شد. مشاور اعظم حاکم بزرگ «مستوران» که ابعاد مختلفی در شخصیتش متبلور است. محمدصادق ملک، بازیگر این نقش است که پیش از این در مجموعه‌های «بانوی عمارت» و «از سز سزوش»

نقش‌های منفی ایفا کرده و مورد توجه هم قرار گرفته بود. ملک یکی از بازیگرانی است که پیشینه تئاتری دارد و بازیگر بسیار توانمندی است. در سریال‌هایی هم که حضور داشته، سعی کرده نقش‌هایی را ایفا کند که ابعاد مختلفی دارد. از جمله نقش کیاوش که مخاطب با وجوه مختلف این شخصیت در بازی او روبه‌رو می‌شود. کیاوش دلداد ماه منیر، دختر حاکم است و یکی از مهم‌ترین اختلافاتی که با لطفعلی دارد، همین موضوع است. او مدام در تلاش است تا لطفعلی را از چشم ماه منیر بیندازد و در این مسیر از هیچ کاری هم دریغ نمی‌کند. کیاوش به‌نوعی یکی از کاراکترهای منفی این سریال است که به‌ظاهر به‌نودر، حاکم مستوران هم بسیار وفادار است اما در خفا دسیسه‌چینی می‌کند و جاسوس‌هایی برای خود دارد.

چهره

طلا؛ جادوگر پلید



طلا، جادوگر قبيله در «مستوران» را می‌توان یکی از نقش‌ها و بازی‌های متفاوت رابعه اسکویی دانست که هم در فصل یک و هم در فصل دوم حضور داشت. منتهی با این تفاوت که در فصل دوم شاهد مادرانه‌های طلا و نگرانی‌هایش برای تنها فرزندش گرگین بودیم.

اسکویی نقش یک جادوگر پلید را بازی می‌کرد که خصومت بسیاری هم با لطفعلی داشت و در هر دو فصل از این مجموعه تمام تلاشش را برای نابودی او به کار گرفت که موفق نشد و خودش توسط دوال با و با دستور کیاوش کشته و به پرنده‌های سیاهی تبدیل شد که آسمان را در نورددند.

فصل دوم این مجموعه در حالی روی آنتن رفت که زمان روایت داستان ۲۰ سال به جلو رفته بود اما هیچ تغییری در شخصیت طلا به وجود نیامده و او همچنان یک جادوگر پلید و منفور بود.

اسکویی با بازی در صدا و چهره‌اش و با ابزار گرم و لباس، توانست مورد توجه قرار بگیرد و بعد دیگری از توانایی‌اش در بازیگری را به نمایش بگذارد.

این بازیگر در آثاری مثل نوروز رنگی، زن بدلی، در دسر بزرگ، پلاک ۱۴، فرمان، فرار بزرگ، ستایش و ... بازی کرده است.

قاب‌هایی

از یک نشست

کاوه خدانشناس، بازیگر، تا امروز در تلویزیون با آثاری همچون پول کثیف، عملیات ۱۲۵، رستگاران، بوم و بانو، صبح آخرین روز، پدر، آسمان همیشه ابری نیست، شاید برای شما هم اتفاق بیفتد و ... دیده شده است.



کیاوگرادرا سکن کنید

گزارش تصویری

